

## مصطفی هجری: اعتصابات سراسری کامیونداران از دامنه‌دارترین

### جلوهای مقاومت مدنی در برابر استبداد حکومتی جمهوری اسلامی است

اعتصاب گسترده و سراسری کامیونداران که اواخر ماه اردیبهشت آغاز شد، اکنون در بیش از ۱۶۰ شهر ایران گسترش یافته است. این اعتراضات واکنشی است به وضعیت نابسامان و دشوار معیشتی و عدم پاسخگویی دولت به مطالبات صنفی این گروه آسیب پذیر جامعه. این اعتصابات، اکنون به نماد یکی از گسترده‌ترین اعتراضات صنفی و یکی از دامنه‌دارترین جلوهای مقاومت مدنی در برابر استبداد حکومتی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. همزمان با گسترش دامنه جغرافیایی این اعتراضات، نهادهای امنیتی، رویکرد همیشگی سرکوب، بازداشت و تهدید اعتصاب کنندگان را در پیش گرفته‌اند. بیانییه اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران، به درستی بازداشت و تهدید اعتصاب کنندگان را نشانه‌ای دال بر "استیصال حکومت در برابر موج خروشان عدالتخواهی" مردم به ستوه آمده دانسته است.

ما نیز ضمن پشتیبانی کامل از این اعتصابات، امیدواریم سایر گروه‌های جامعه آنان را تنها نگذارند.

مصطفی هجری (دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران)

۹ خرداد ۱۴۰۴ شمسی

## مذاکرات اتمی با فرجام یا نافرجام؛

## سرنوشت رژیم ایران را مبارزه ملتهای ایران رقم خواهد زد



## کشتار کردها به بهانه‌ی انتقام خون فخری زاده

خود را می‌کند تا شکست‌های امنیتی و اطلاعاتی هایش را در خصوص پرونده فخری زاده اختفا کند و همچون گذشته کسانی را قربانی بکند که هیچ نقشی در مسئله نداشته‌اند و بر همین اساس پرونده‌ای برای این پنج تن کورد که دو تنشان کولبر هستند ساخته است

پرونده‌سازی و تحمیل حکم سنگین اعدام و زندان بر این پنج تن کورد در حالی می‌باشد که محمود علوی، وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی روز ۵ آذر سال گذشته اعلام کرده بود که همه‌ی اعضای تیمی که فخری زاده را کشتند فوری خاک ایران را ترک کرده بودند؛ اما جمهوری اسلامی همه‌ی تلاش

اجباری شده و دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی نیز محکوم به اعدامشان کرد. عبدالرحمان قنجه و خالد الیاسی، دو متهم دیگر این پرونده ساختگی مراکز امنیتی جمهوری اسلامی ایران به ۸ سال زندان محکوم شدند. سازمان‌های مدافع حقوق بشر و ناظران سیاسی تاکید کرده‌اند که بازداشت،

پاسداران محکوم به اعدام شده بود و نتیجتاً این حکم تحمیلی از سوی دیوان عالی جمهوری اسلامی نیز تایید شد آزاد شجاعی همراه با چهار نفر دیگر با هویت ادریس آلی، اهل سردشت و رسول احمد، اهل قلعه‌عزّه پس از کشتن محسن فخری-زاده بازداشت و زیر شکنجه و فشار شدید مجبور به اعتراف

دیوان عالی جمهوری اسلامی ایران روز شنبه، ۱۳ خرداد حکم اعدام آزاد شجاعی، کولبر اهل سردشت را تایید کرده است. این زندانی سیاسی قبلاً در دادگاه انقلاب شهر ارومیه به اتهام جاسوسی برای اسرائیل و انتقال تجهیزات مورد استفاده در کشتن محسن فخری زاده، فرمانده سپاه

شکست هلال شیعی؛ پایان رویای

سلطه‌جویی جمهوری اسلامی

پرویز جباری

۷

کولبری

گذر از مرز فقر و مرگ

کاوه سندوسی

۷

بازتعریفی از واژگان تحریف‌شده‌ی

«استقلال‌طلبی» و «مقاومت مسلحانه»

دیاکو شفیع

۵

فرهنگ ابزاری برای

رویارویی با اشغالگر

رضا دانشجو

۳

پیام هیأت اجرایی حزب به مناسبت

روز زندانیان سیاسی کوردستان

۲

# پیام هیأت اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت ۱۲ خرداد، روز زندانیان سیاسی کوردستان



**زندانیان سیاسی سرفراز و استوار! خانواده‌ی مبارز و نستوه زندانیان سیاسی!**

**مردم انقلابی کوردستان!**

چند سالی است که روز ۱۲ خرداد به‌عنوان روز زندانیان سیاسی کوردستان نامگذاری شده است. روز ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۲ هجری، جلادان رژیم جمهوری اسلامی ایران در یک جنایت کم سابقه، در شهر تبریز ۵۹ جوان مهابادی را به جرم مبارزه در راه حقوق ملی و سیاسی خویش و به اتهام همکاری با احزاب سیاسی کوردستان به طور دستجمعی اعدام کرد. در این مناسبت و در گرامیداشت یاد و خاطره‌ی این مبارزان عزیز جان از دست داده، به روان پاک آنها درود می‌فرستیم و از مبارزه و مقاومت کلیه‌ی زندانیان سیاسی جنبش کورد در کوردستان ایران تجلیل به عمل می‌آوریم.

بدون تردید زندانی سیاسی کورد نماد استقامت و پایداری ملتی است که در پی آزادی، دمکراسی و حاکمیت ملی خویش است. زندانیان سیاسی کوردستان در این راه از بازداشت و آزار و شکنجه نهراسیده‌اند و با اراده‌ای پولادین در مقابل ستمکاران ایستادگی کرده‌اند. آنها سیاهچاله‌ها و زندانهای رژیم جمهوری اسلامی را به سنگر مبارزه و ایستادگی تبدیل کرده‌اند و حزب دمکرات کوردستان ایران در این روز به روان پاک تمامی شهدای راه آزادی، به‌ویژه کلیه‌ی زندانیان سیاسی شهید درود فرستاده و در برابر بزرگی و پایداری و ایستادگی زندانیان سیاسی سر تعظیم فرود می‌آورد.

در جنایت ۱۲ خرداد ۴۱ سال پیش، نحوه‌ی بازداشت این ۵۹ سیاسی، بازجویی از آنها تحت شکنجه و نحوه‌ی محاکمه و اعدام دستجمعی آنها و نیز پنهان کردن محل دفن اجساد آنان، نمونه‌ی بارزی از برخورد رژیم جمهوری اسلامی با ناراضیان و مخالفان سیاسی خود در زندانها بود که هنوز هم نسبت به مبارزان سیاسی کورد ادامه دارد. در عین حال این جنایت سهمناک نشانگر سیاست سیستماتیک ژنوساید فرهنگی و فیزیکی رژیم علیه ملتمان می‌باشد.

**هم‌میهنان ارجمند!**

جمهوری اسلامی از همان ابتدای برسرکار آمدنش با میلیتاریزه کردن کوردستان و توسل به هرگونه سرکوبی، از بازداشت و اعدام و تحمیل حبس به حق‌طلبان کورد گرفته تا ترور رهبران و کادرها و پیشمرگان، بمباران مناطق مسکونی، غارت منابع طبیعی و تلاش در جهت اضمحلال فرهنگی و ترویج پدیده‌های اجتماعی زیانبار در کوردستان، تلاش کرده اراده‌ی ملتمان را درهم بشکند. نقض آشکار و مداوم حقوق بشر در کوردستان، سیاست هدمفندی بوده جهت خاموش کردن صدای ح‌طلبی و آزادی‌خواهی ملتمان.

**حزب دمکرات کوردستان ایران هیأت اجرایی ۱۱ خرداد ۱۴۰۴ خورشیدی**

**(پیام مشترک مرکز حقوق بشر کوردستان ایران (چاونیوز) و انجمن زندانیان سیاسی کوردستان ایران به مناسبت ۱۲ خرداد، روز زندانیان سیاسی در کوردستان ایران)**

زندانیان سیاسی نستوه! خانواده‌های سرفراز زندانیان سیاسی! "زندانی سیاسی کورد، انسانی با ایمان و باورهای عمیق به آزادی است که از زندگی عادی خود دست برداشته و در راه رسیدن به آزادی، رهایی ملی، عدالت و برابری مبارزه می‌کند و به همین دلیل بازداشت و زندانی می‌شود. این فرد به‌عنوان یک شخصیت والای جامعه، در زندان نیز با وجود تمامی شکنجه‌ها و مشکلات عدیده، سر تسلیم فرود نیاورده و به نماد پایداری و تسلیم‌ناپذیری و مقاومت بدل می‌گردد". برای مادر کوردستان ایران، دوازدهم خرداد هر سال، یادآور تاریخی تلخ و جانگداز است. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۲ شمسی، ۵۹ جوان و نوجوان اهل شهر مهاباد را به جرم کورد بودن، در مدتی کوتاه بازداشت و در دادگاهی ناعادلانه و به دور از هرگونه اصول قانونی و حقوق بشری (بدون حق داشتن وکیل و پروسه عادلانه، در یک دادگاه صحرایی)، به اعدام محکوم و در زندان شهر تبریز تیرباران نمود. این در حالی است که پس از گذشت ۴۲ سال از آن جنایت هولناک، در جنایتی دیگر، حتی مزار یا محل دفنشان نیز مشخص نیست و جنازه آنها عامدانه ناپدید شده است.

انجمن زندانیان سیاسی شرق کردستان، با هماهنگی و همفکری احزاب سیاسی و مراکز حقوق بشر در کوردستان ایران، به منظور ارج نهادن به مبارزه و پایداری زندانیان سیاسی، «۱۲ خرداد» هر سال را به‌عنوان روز زندانیان سیاسی در کوردستان تعیین کرده است. در این روز، یاد و خاطره تمامی زندانیان سیاسی کورد، بدون در نظر گرفتن تفاوت دیدگاه و جریانهای سیاسی کوردستانی، گرمای داشته می‌شود و در برابر پایداری و قامت برافراشته آنان پای چوبه‌دار، سر تعظیم فرود می‌آوریم.

**ملت نستوه کوردستان!**

جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۷ سال عمر سراسر جنایت خود، به شیوه‌های گوناگون، مستمر و نظام‌مند، حقوق بشر را در کوردستان نقض کرده است. با دستگیری و ربودن، شکنجه و زندانی کردن، ترور و کشتار، قتل‌عام و ویران کردن روستاها، کشتار و اعدام‌های دسته‌جمعی، میلیتاریزه‌کردن، غارت و تخریب محیط زیست و فروپاشی اقتصادی، این سرزمین را اشغال کرده و برای پاکسازی هویت ملی به شیوه‌های نرم و سخت تلاش کرده است. اعدام ۵۹ جوان کورد تنها یکی از جنایات هولناکی است که جمهوری اسلامی علیه آزادی‌خواهی کوردها مرتکب شده است.

مایه تأسف و اندوه است که در طول عمر این حکومت دیکتاتور و خودکامه، نقض آشکار حقوق بشر قربانی منافع و معاملات اقتصادی و سیاسی شده است. به‌ویژه در دو دهه گذشته که برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی به موضوع روز بدل گشته، موارد نقض حقوق بشر به حاشیه رانده شده است. رژیم جمهوری اسلامی ایران، در کنار برنامه اتمی خود و با به گروگان گرفتن دنیای آزاد و دموکراتیک، از این وضعیت به‌عنوان فرصتی بهره برده و به طور سیستماتیک به سرکوب آزادی‌خواهان، به‌ویژه در کوردستان، دست زده است. روزی نیست که پسران

## پیام به مناسبت روز زندانیان سیاسی در کوردستان ایران



و میهن‌دوستی تبدیل می‌شود. یعنی در گفتمان سیاسی ملی، دگرگونی و تغییر کاربری این مکان رخ داده و زندان از مکانی برای مجازات، به محلی برای پافشاری بر خواسته‌ها و حقوق مشروع و تجلی نیروی پایان‌ناپذیر امید به آزادی بدل شده است. این بخشی از شعور والای ملی و درس جوانان سرزمین ما در برابر این همه نقض حقوق و نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های ملت کورد در ایران است.

**زندانیان سیاسی مبارز!**

شما که سالیها از عمر پر افتخار خود را در زندان‌های مخوف جمهوری اسلامی سپری کرده‌اید یا هم‌اکنون به دلیل فعالیت‌های گوناگون در زندان هستید، همان‌گونه که مردم به شما افتخار می‌کنند، شما نیز باید به خود و گذشته و حال زندان سیاسی‌تان افتخار کنید. شما درسی تاریخی برای همه ما هستید. شما با پایداری‌تان در برابر تمامی شکنجه‌ها، کمبودها و سختی‌ها، سرافرازانه و غرورمندانه پرچم خود و جنبش‌تان را بالا نگه داشته و دشمن را نیز ناامید کرده‌اید. بی‌گمان، تاریخ ملت ما این پایداری و ابهت وجودی شما را به‌عنوان بخشی مهم از تاریخ جنبش آزادی‌بخش ملت کورد در کوردستان ایران ثبت خواهد کرد و در احساس و وجدان مردم کوردستان همواره زنده خواهید ماند و مورد احترام همگان قرار خواهید گرفت

انجمن زندانیان سیاسی شرق کوردستان و مرکز حقوق بشر کوردستان ایران (چاونیوز) با افتخار و قدردانی به مبارزه و پایداری شما زندانیان سیاسی می‌نگرند و از تمامی زحمات و شکیبایی خانواده‌های عزیزتان سپاسگزاری می‌کند. به امید آنکه در آینده‌ای نزدیک شاهد آزادی کامل شما عزیزان باشیم و ثمره پایداری شما و تلاش مبارزان راه آزادی، رهایی نهایی کوردستان محقق گردد و همگی در زیر سایه پرچم کوردستانی آزاد و سرافراز در نهایت آسودگی و آزادی زندگی کنیم.

**درود بر اراده و پایداری زندانیان سیاسی و خانواده‌های گرانقدرشان!**  
**گرامی باد یاد شهیدان ۱۲ خرداد و تمامی زندانیان سیاسی اعدام شده!**

**مرکز حقوق بشر کوردستان ایران (چاونیوز) انجمن زندانیان سیاسی شرق کوردستان ۱۱خرداد ۱۴۰۴**

و دختران آزادی‌خواه از تمامی اقشار جامعه، مانند فعالان حوزه زبان، حافظان محیط زیست و ادبیات و فرهنگ کوردی، دانشجویان و دانش‌آموزان، فعالان هنری، روحانیون و بازاریان و اصناف، به اتهامات واهی و بی‌اساس دستگیر و روانه زندان نشوند. روزی نیست که در بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی، فعالان سیاسی و مدنی به احکام سنگین زندان محکوم نشوند. روزانه و به طور مداوم، اخبار اعدام زندانیان از زندان‌های ایران منتشر می‌شود. روزانه کولبران و کاسبکاران کورد که برای تأمین معاش خود به کار طاقت‌فرسای کولبری روی آورده‌اند، هدف گلوله قرار گرفته و جان خود را از دست می‌دهند یا زخمی می‌شوند. اینها بخشی از موارد نقض حقوق بشر است که پیوسته در برابر دیدگان مراکز قدرت، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و دنیای آزاد تکرار می‌شوند و مایه نگرانی سازمان‌های حقوق بشری در ایران و کوردستان شده‌اند. همچنین، این وضعیت نشانه‌ای از نوعی استعمار و استثمار، پاکسازی هویتی و سرکوب از سوی حکومت مرکزی علیه کورد و کوردستان است.

اما نکته قابل توجه این است که علی‌رغم تمامی این زندان‌ها، شکنجه‌ها، فشارها و نقض گسترده حقوق بشر که به‌ویژه علیه فعالان سیاسی و مدنی و جامعه کورد به طور کلی اعمال می‌شود، مبارزه و تلاش برای آزادی و رهایی ملی، دمکراسی و عدالت اجتماعی به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد. آیین‌های نوروزی «خاکیپوشان» (پوشیدن لباس خاکی‌رنگ در نوروز به نشانه مقاومت و همبستگی) نمونه‌ای از این فعالیت‌ها هستند که در قالب یک جنبش فرهنگی و مدنی، به نماد مقاومت و هویت‌طلبی ملی بدل شده‌اند.

**زندانیان سیاسی فداکار!**

در اینجا گردهم آمده‌ایم تا در روز ۱۲ خردادماه، علاوه بر گرامیداشت یاد و نام تمامی زندانیان سیاسی، به پدیده‌ای غرورآفرین اشاره کنیم: اگر پیشتر نوعی ترس از صدور حکم و رفتن به زندان وجود داشت، اکنون دختران و پسران مقاوم کورد، با افتخار و در مراسمی با حضور بستگان و هم‌میهنان، با شور و سرودهای ملی به سوی زندان بدرقه می‌شوند، یا هنگام آزادی مورد استقبال بی‌نظیر قرار می‌گیرند و به نشانه پیروزی و غلبه، جشن و پاکبویی می‌کنند. این به آن معنا نیست که ما زندان را دوست داریم یا آن را مکانی خوشایند می‌دانیم؛ بلکه در اینجا زندان برای آزادی‌خواهان، به جای مکانی برای مجازات و ابراز ندامت، به مدرسه مقاومت

# فرهنگ ابزاری با رویارویی با اشغالگر



رضا دانشجو

حملات هیستریک جریان اصولگرای رژیم به اسب سواری چند بانوی کورد، در مراسم استقبال از استانداران چهار استان اقلیم کوردستان را باید جدیدترین سکانس نفرت پراکنی حاکمیت علیه فرهنگ کورد دانست. هرچند حمله کنندگان سعی کردند با بهره بردن از واژه هایی چون ” ضدعرف“ و ” ضدشرع“ و استفاده از بعضی شعارهای تکراری مانند ” غیرت کوردها اجازه نمی دهد” سمت و سویی دیگر به این اقدامات بدهند اما واقعیت چیز دیگری است. اگر از بازی های تکراری جناح های داخل رژیم به عنوان یک حاشیه کم اثر بگذریم درمی یابیم که برای پی بردن به اصل ماهیت این حملات هیستریک باید جای دیگری رفت ! این حجم از حملات نمی تواند تنها یک واکنش به یک مراسم استقبال ساده باشد، در واقع هدف دلیل اصلی این حملات دامنه دار ریشه یک نوع تفکر مسموم اشغالگران دارد که خارج از بازی های رنگی درون حاکمیت جمهوری اسلامی دانست. برای فهم بهتر این موضوع کافی است کمی به عقب برگردیم و به نامه هشتصد به اصطلاح استاد و روشنفکر عمدتا فارس زبان یا آسمیله شده در ضدیت با مراسم باشکوه نوروز امسال در کوردستان اشاره کنیم که بسیار بی هدف و چشم بسته صرفا به ماهیت مراسم نوروز در کوردستان حمله کردند بیانیه ای که بیشتر از هر چیز دیگری نشان دهنده عمق نگرانی این جماعت

کورد و کوردستان اشاره کرد. در ادامه به برخی از این نقاط مهم اشاره می شود

## مناسبت های فرهنگی ابزاری برای هویت خواهی

مناسبت های مختلف فرهنگی اعمم از دینی و حتی مذهبی در نقاط گوناگون کوردستان و در راس آن نوروز ، فراتر از یک گردهمایی معمول، محلی برای بازیابی و ابراز ارزش هایی است که سالها توسط اشغالگران کوردستان به بدترین شکل ممکن سرکوب شده یا اساسا با رنگ و لعابی دیگر ماهیتی کاملا متضاد یافته اند. نوروز امسال نقطه اوج این حرکت هویت خواهی بود جایی که جریان ملی گرای کورد به پهنای این جغرافیای دربند از ماکو تا آبدانان یکرنگ و یکصدا دست در دست هم فریاد رهایی سر داد!

## فرهنگ عامل اتحاد و همبستگی

نکته مهم دیگر، تاثیر شگفت فرهنگ در اتحاد و همدلی جامعه کوردستان است. چیزی که بیشتر از همه اشغالگران کوردستان را می ترساند. جایی که اشغالگران سالها با تکیه بر انواع مختلف

ترفندها از جمله تفاوت های مذهبی سعی در فاصله انداختن بین جامعه متنوع کوردستان داشتند به مدد همین مناسبت های فرهنگی کاملا بی اثر شد! برگزاری باشکوه نوروز در جنوبی ترین نقاط شرق کوردستان نشان داد جامعه کورد چقدر در مسیر بازتعریف ارزش های فرهنگی خود بی اعتنا به برخی از تفاوت های عموما جعلی، راسخ و استوار است!

## غناي فرهنگی

فرهنگ غنی کورد با تکیه بر داشته های بی شمار خود در سال های اخیر توانسته به رغم موج همیشگی سانسور و سرکوب نیروهای اشغالگر به خوبی همه مرزهای جعلی را پشت سرگذاشته و با ارائه ای بی نظیر از داشته های خود چشم جهانیان را بر واقعیات جامعه کوردستان بگشاید. همایش چند ده هزارنفری نوروز امسال در خارج از مرزهای کوردستان و همچنین تصاویر بی نظیر مخابره شده از نوروز داخل ، توانست معرف بخشی از داشته های غنی فرهنگی کورد باشد که سالهاست اشغالگران یا آن را سانسور کرده اند یا به نام های دیگر به جهانیان معرفی کرده اند

## ذخایر سدهای استان ایلام

## ۳۵ درصد کاهش یافت

گذشته به ۵۶ مترمکعب رسیده است.او دلیل اصلی این کاهش را خشکسالی و افت ۴۶ درصدی بارندگی عنوان کرد؛ اما بسیاری از کارشناسان معتقدند که مشکل اصلی، فراتر از کم‌بارشی و در سوءمدیریت مزمین در ساختار حکمرانی آب رژیم ایران نهفته است.

علیمردادی در پایان از مردم خواسته با صرفه‌جویی در مصرف آب به عبور از بحران کمک کنند، در حالی که هیچ برنامه‌ی شفاف و عملی از سوی رژیم برای نجات منابع آب، تغییر الگوی کشاورزی یا جبران سال‌ها غارت منابع طبیعی ارائه نشده است. سیاست‌های آب‌محور جمهوری اسلامی، بر پایه‌ی تمرکزگرایی، رانت پروژه‌های سدسازی و بی‌توجهی به توسعه پایدار، عملاً نابودکننده منابع طبیعی استان‌هایی مانند ایلام بوده است.

در حالی که منابع آبی استان ایلام با سرعت نگران‌کننده‌ای رو به کاهش است، تازه‌ترین گزارش شرکت آب منطقه‌ای ایلام از افت ۳۵ درصدی ذخایر سدهای استان نسبت به سال گذشته خبر می‌دهد. صادق علیمردادی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای ایلام، با تأیید کاهش شدید ذخایر آب اعلام کرد که سدهای چهارگانه‌ی استان شامل دوبرج دهلران، ایلام، گلال چوار و کنگیر ایوان، هم‌اکنون در پایین‌ترین سطح ذخیره‌ی خود طی سال‌های اخیر قرار دارند.

به گفته علیمردادی کاهش حجم ذخیره سدهای ایلام نسبت به سال گذشته ۳۵ درصد بوده و سد دوبرج دهلران با ۴۸ درصد کاهش، بیشترین میزان افت را داشته است. نامبرده افزود که حجم مخزن سد ایلام نیز با ۱۲ درصد کاهش حجم نسبت به سال

## ادامه اعتصاب سراسری کامیون‌داران در سایه

## فشارهای امنیتی و بازداشت‌های فزاینده

آشکار از بی‌پاسخ‌ماندن مطالبات صنفی و سرکوب اعتراضات است.

این در حالی است که حمایت عمومی از اعتصاب کامیون‌داران هر روز گسترده‌تر می‌شود و معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و دیگر اقشار آسیب‌دیده جامعه، با انتشار پیام‌هایی، همبستگی خود را با این حرکت اعتراضی اعلام کرده‌اند. روز جمعه ۹ خرداد، سیزده زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز در بیانیه‌ای صریح حمایت خود را اعلام کردند و نوشتند: ما در کنار کامیون‌داران ایستاده‌ایم تا در این مسیر حق‌طلبانه، سرافراز باشیم. رژیم ایران در حالی با مشت آهنین به مطالبات صنفی پاسخ می‌دهد که بحران معیشتی در ایران رو به وخامت گذاشته و مسئولان رژیم همچنان بر سیاست سرکوب، بازداشت و فشار تأکید دارند.

مختلف بازداشت شده‌اند. در میان بازداشت‌شدگان، "صدیق محمدی" در سنجند و "شهاب دارابی" در اسلام‌آباد غرب از چهره‌های شناخته‌شده این حرکت اعتراضی هستند. در استان‌های مختلف، نهادهای نظامی و امنیتی از جمله سپاه پاسداران و پلیس با اعلام رسمی بازداشت افراد به اتهاماتی همچون "سیاه‌نمایی"، "ارسال کلیپ به رسانه‌های بیگانه" و "اقدام علیه امنیت ملی" در واقع تلاش کرده‌اند فضای رعب و وحشت ایجاد کنند تا صدای اعتراضات خاموش شود.

از سوی دیگر، رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی اقدام به پخش ویدیوهایی از "اعترافات اجباری" بازداشت‌شدگان کرده‌اند؛ امری که نه‌تنها مغایر با اصول حقوق بشر، بلکه نشانه‌ای

با گذشت ده روز از آغاز اعتصاب سراسری کامیون‌داران، نه‌تنها کوچک‌ترین پاسخی از سوی مسئولان رژیم به خواسته‌های صنفی این قشر داده نشده، بلکه بازداشت، تهدید و برخوردهای امنیتی به‌عنوان تنها پاسخ رژیم به این حرکت اعتراضی در دستور کار قرار گرفته است.

این اعتصاب که از اول خرداد با هدف پیگیری مطالبات معیشتی از جمله افزایش کرایه، کاهش هزینه‌های سوخت و بیمه و اعتراض به شرایط طاقت‌فرسای جاده‌ای آغاز شد، اکنون به گفته اتحادیه تشکلهای کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران به بیش از ۱۵۰ شهر گسترش یافته و به رغم فضای شدید امنیتی، همچنان با قدرت ادامه دارد. طبق گزارش خبرگزاری هрана، تا کنون دست‌کم ۲۰ نفر از رانندگان معترض و شهروندان حامی این اعتصاب در شهرهای

# تأثیر فضای آموزشی دبیرستان‌های دخترانه بر مشارکت زنان در احزاب و گروه‌های سیاسی-اجتماعی



بهار حسینی

وضعیت تعلیق و جابه‌جایی قرار دارند. فضای دبیرستان، به عنوان یک نهاد اجتماعی و آموزشی، بازتاب‌دهنده همان نیروهای نظم‌دهنده‌ای است که خواسته یا ناخواسته جنسیت، هویت و نقش‌های اجتماعی و انسانی را شکل می‌دهند. در این فضا، زبان آموزش، چارچوب‌های حکومتی و فرهنگی، ساختارهای قدرت و نوعی نظم پنهان بر ساختار ذهنی و بدن دختران حک می‌شود؛ نظمی که بیشتر به بازتولید نقش‌های سنتی و حفظ وضعیت موجود می‌انجامد تا آزادسازی سوژه زن و شکل‌گیری هویت زن مستقل در فراسوی مرزهای زبان و قدرت حاکم. سیاست‌های آموزشی، خط مشی فرهنگی و کنترل‌های اجتماعی، هویت زنانه‌ای تولید می‌کند که در چارچوب‌های غالب قدرت تعریف می‌شود.

اما از دل این محدودیت‌ها و زبان‌های کنترل‌شده، شکل‌هایی از مقاومت و خلق هویت‌های جدید نیز به وجود می‌آید. دختران، در کنار یادگیری رسمی، در فضای مدرسه و به ویژه در روابط همسالان، شروع به بازتعریف خود، پرسشگری درباره جایگاه‌شان و آزمایش مرزهای نقش‌های جنسیتی می‌کنند. این فعالیت‌ها می‌تواند سرآغاز شکل‌گیری نوعی خودآگاهی سیاسی باشد که پایه‌های آن در برخورد با محدودیت‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و فضای آموزشی به مثابه «زمین بازی» قدرت و مقاومت در می‌آید.

پس فضای دبیرستان می‌تواند هم عرصه کنترل و هم محل مقاومت باشد. از یک سو، نهاد آموزش با اهداف معین، دختران را برای تطبیق با هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تربیت می‌کند؛ اما از سوی دیگر، این فضا فرصت‌هایی برای شکستن این هنجارها، گفت‌وگوهای آزاد و ساختن فضای متفاوت فراهم می‌آورد.

وقتی دختران به فعالیت‌هایی مانند انجمن‌های فرهنگی، گروه‌های هنری یا بحث‌های سیاسی در مدارس‌شان می‌پردازند، در واقع به نحوی از «زیست-سیاسی» دست می‌یابند. این زیست-

در ایران امروز، شاهد تغییرات بنیادینی در حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی هستیم؛ تحولی که از دل یک جامعه‌ی درگیر کشمکش‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بیرون آمده است. زنان ایرانی به‌رغم فشارها و محدودیت‌های جدی، قدم‌هایی استوار برای ورود به فضاهای سیاسی و اجتماعی نوین برداشته‌اند. یکی از نخستین مکان‌هایی که دختران در آن‌ها هویت خود را می‌آفرینند و جامعه را می‌شناسند: دبیرستان‌های دخترانه است. این فضاهای آموزشی، تنها محل انتقال دانش نیستند، بلکه بستر شکل‌گیری نوعی وجود و مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز هستند. با فضایی انضمامی و همزمان محدود.

دبیرستان‌های دخترانه، با ادعای فراهم کردن محیط‌های امن، محیطی جداگانه برای آموزش دختران فراهم می‌آورند؛ اما این «جداافتادگی» نه تنها امکان امنیت را نمی‌دهد بلکه گاهی به منزله حصار است که دختران را از مواجهه مستقیم با فضای عمومی جامعه و گفت‌وگوی میان‌جنسیتی دور نگه می‌دارد. این دوگانگی بین جدایی و حضور در فضای آموزشی، تصویری از وضعیت کلان‌تر زنان در جامعه است؛ جایی که زنان به عنوان سوژه‌هایی در تقابل با ساختارهای قدرت و نظم‌های اجتماعی ساخته‌ی حکومت اسلامی به‌طور دائم در

زنان به ویژه زنان ایرانی تحت سلطه‌ی حکومت اسلامی در مسیر مشارکت اجتماعی و سیاسی با موانع عمیقی روبرو هستند. ساختارهای قدرت سیاسی، قوانین محدودکننده، فشارهای فرهنگی، و فضای امنیتی، همه دست به دست هم می‌دهند تا عرصه فعالیت برای زنان دشوار شود. دبیرستان‌ها نیز به عنوان بخشی از این ساختار، در بیشتر موارد خود بازتولیدکننده این موانع هستند؛ با برنامه‌های آموزشی محافظه‌کارانه، نبود فضای کافی برای گفت‌وگو و بیان آزاد، و تأکید بر نقش‌های جنسیتی سنتی. این مسئله سبب می‌شود که بسیاری از دختران نتوانند پتانسیل کامل خود را در عرصه اجتماعی-سیاسی کشف و بروز دهند.

اما به‌رحال راهکارهایی برای تقویت نقش آموزشی در دبیرستان‌ها می‌توان تعریف کرد و برای شکستن این چرخه، لازم است در خارج از دبیرستان‌های دخترانه آموزش‌هایی از سوی نهادها و تشکل‌های ازادخواه فراگیر شود که دختران به مطالبه و ساختن فضای آزادتر و بازتری برای آموزش سیاسی-اجتماعی ترغیب شوند؛ فضایی که در آن دختران بتوانند درباره عدالت، حقوق، برابری و ساختارهای قدرت به بحث بپردازند.

ترویج مهارت‌های رهبری، سازماندهی، تفکر انتقادی و گفت‌وگو، از مهم‌ترین اقدامات برای توانمندسازی دختران

سیاسی یعنی آنکه تجربه زندگی روزمره‌شان تبدیل به عرصه‌ای برای کنشگری سیاسی و اجتماعی می‌شود؛ نوعی حضور که فراتر از نقش‌های سنتی‌ست و خواهان تغییر و تحول در وضعیت موجود است.

و منجر به ارتباط میان آموزش دبیرستانی و مشارکت در گروه‌های سیاسی-اجتماعی نوین میشود.

گروه‌ها و احزاب با روش‌های نوین برخلاف روش‌های سنتی پیشین، بیشتر در قالب جنبش‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی خودجوش دیده می‌شوند. این ساختارهای نوین سیاسی-اجتماعی، به دلیل محدودیت‌های رسمی، شکلی پراکنده و متنوع دارند که در آن زنان نقش پررنگ و فعال ایفا می‌کنند. برای حضور موفق در این ساختارها، زنان نیازمند کسب مهارت‌های متنوعی هستند: دانش سیاسی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و توانایی سازماندهی و اگر فضای آموزشی دبیرستان، توانمندانه و آگاهانه اداره شود، می‌تواند بستر مناسبی برای پرورش این مهارت‌ها باشد. دبیرستان‌هایی که فعالیت‌های جمعی، بحث آزاد، و پرورش تفکر انتقادی را تشویق می‌کنند، محیطی می‌سازند که در آن دختران یاد می‌گیرند چگونه صدایشان را بشناسند و به آن قدرت ببخشند و موانع ساختاری و فرهنگی را پشت سر گذاشته یا کاملاً از سر راه بردارند. اما در عین حال، نباید فراموش کرد که

## ادامه سرکوب سیستماتیک

## فعالان سیاسی و مدنی در کوردستان



منزل و ضبط وسایل شخصی آنان همراه بوده است. این زوج کورد از زمان بازداشت از دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده محروم بوده و از سرنوشت و محل نگهداری آنان نیز اطلاعی در دسترس نیست. سامان کریمی در آبان‌ماه ۱۳۹۷ توسط اطلاعات سپاه بازداشت و پس از یک سال

در ادامه موج فزاینده سرکوب فعالان سیاسی و مدنی در کوردستان، یک زوج کورد اهل بانه توسط نیروهای اداره اطلاعات بازداشت و از سرنوشت هر دو نفر هیچ اطلاعی در دست نیست.

روز یکشنبه ۴ خرداد، "سامان کریمی"، زندانی سیاسی سابق محکوم به اعدام و همسرش "قرزانه رشیدی" دانشجوی دانشگاه پیام نور بانه توسط نیروهای امنیتی رژیم در بانه بازداشت و علیرغم گذشت ۸ روز از بازداشت، از سرنوشت آنان اطلاعی در دسترس نیست. بازداشت این زوج کورد با توسل به ارباب، خشونت شدید، شکستن درب منزل، تفتیش کامل

اسدی، فاطمه زندکریمی، نسرين کریمی، فیصل نوری، رزگار حیدری و کوروش عزتی امینی" احراز شده است.

طبق این گزارش، این فعالان کورد باید در تاریخ ۱۹ خرداد جهت ارائه آخرین دفاعیات خود در شعبه مذکور حاضر شوند گفتنی است که دادسرای عمومی و انقلاب سنندج در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ با صدور کیفرخواست برای این فعالان صنفی معلمان با علم به شرکت آنان در تجمعات اعتراضی خرداد ۱۴۰۱ تقاضای صدور حکم مجازات را برای آن‌ها کرده بود.

در ادامه سرکوب گسترده فعالان صنفی معلمان کوردستان، ۱۵ تن به اتهامات واهی به دادگاه کیفری سنندج احضار شدند.

به گزارش سازمان حقوق بشری "چاونیوز"، روز یکشنبه ۱۱ خردادماه، پانزده تن از فعالین صنفی معلمان کوردستان به اتهام "اخلال در نظم و آسایش عمومی" به شعبه ۱۰۹ دادگاه کیفری ۲ سنندج احضار شدند.

هویت این فعالین صنفی معلمان: "شهریار نادری، آرام ابراهیمی، محمدرضا مرادی، صلاح‌الدین حاجی‌میرزایی، بهزاد قوامی، سید غیاث نعمتی، رضا طهماسبی، صادق کنعانی، مجید کریمی، مختار

حبس، در دادگاه انقلاب سنندج به اتهام "بغی از طریق عضویت در یکی از احزاب کورد مخالف رژیم" به اعدام و ۱۱ سال زندان محکوم شده بود که این حکم در نهایت توسط دیوان عالی رژیم نقض شد. شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر سنندج در تیرماه ۱۴۰۰، این زندانی سیاسی کورد را به اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" به چهار سال حبس، به اتهام "عضویت در یکی از احزاب کورد مخالف رژیم" به چهار سال حبس و به اتهام "تبلیغ علیه رژیم" به یک سال حبس محکوم کرد که بر طبق قانون تجمیع احکام ۴ سال آن قابل اجرا بود.

# بازتعریفی از واژگان تحریف‌شده "استقلال‌خواهی" و "مقاومت مسلحانه" در کوردستان



دیاکو شافعی

جنبش آزادی‌خواهی ملت کورد، در هر چهار بخش کوردستان (ایران، ترکیه، عراق و سوریه) همواره با دو برچسب سیاسی-امنیتی سنگین و هدف‌دار مواجهه بوده است، تجزیه‌طلبی و خشونت مسلحانه. این برچسب‌ها نه تنها در تبلیغات رسمی حکومت‌ها بلکه در گفتمان عمومی نیز جا خوش کرده‌اند، بی‌آنکه بستر تاریخی، سیاسی و انسانی این مفاهیم به‌درستی درک و تحلیل شود. در چنین شرایطی، بازخوانی دو مفهوم کلیدی یعنی استقلال‌خواهی و مقاومت مسلحانه، برای درک واقعی از ماهیت مبارزه ملت کورد، امری ضروری است.

نخست بایدروشن کرد کهاستقلال‌خواهی با تجزیه‌طلبی یکی نیست. تجزیه‌طلبی، برچسبی است تحقیرآمیز که دولت‌های مرکزگرا برای نفی مشروعیت جنبش‌های ملی به‌کار می‌برند. این واژه در ایران از سوی سازمان اطلاعات و امنیت کشور ( ساواک) در زمان پهلوی ابداع شد و هدف از آن، خطرناک جلوه‌دادن خواست ملت‌های تحت ستم برای تعیین سرنوشت خود بود. حال آن‌که استقلال‌طلبی، مطابق با کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل حق تعیین سرنوشت یکی از حقوق بنیادین مردم است؛ به‌ویژه مردمی که در مرزهای سیاسی تحمیلی، دهه‌ها دچار سرکوب، تبعیض، انکار هویت و خشونت ساختاری بوده‌اند.

کوردها، بزرگ‌ترین ملت بدون سرزمین و حاکمیت در خاورمیانه، دقیقاً در همین وضعیت قرار دارند. از تقسیم استعماری سرزمین کوردستان پس از جنگ جهانی اول تا قتل‌عام‌ها، کوچ اجباری، آسیمیلیاسیون فرهنگی و حذف سیستماتیک از قدرت سیاسی، عملاً هرگونه حقوق بنیادین خود را از دست داده‌اند. بنابراین، زمانی که ملت کورد به‌دنبال استقلال، سیستم فدرالی یا خودگردانی می‌رود، این خواسته نه بر مبنای تجزیه یک کشور بلکه در پاسخ به دهه‌ها بی‌عدالتی و انکار هویت ملی شکل می‌گیرد.

اما این خواست ملی، در بسیاری مواقع با زور سرکوب شده است. در چنین بستری، مفهوم دوم، یعنی مقاومت مسلحانه، وارد معادله می‌شود. بسیاری از احزاب

در سایه سکوت رسانه‌ای و بی‌تفاوتی نهادهای رسمی، بلوچستان بار دیگر به صحنه‌ی سرکوب کور و فراقانونی رژیم بدل شده و تنها در فاصله‌ی کمتر از 70 روز، دست‌کم 225 شهروند بلوچ در موجی از بازداشت‌های بی‌ضابطه از سوی نیروهای امنیتی، اطلاعاتی و لباس‌شخصی ربوده شده‌اند.

بر اساس گزارش‌های محلی و منابع حقوق بشری، این بازداشت‌ها در 67 مورد مجزا صورت گرفته و در میان بازداشت‌شدگان، دست‌کم 93 تن فاقد

با استناد به آمار به ثبت‌رسیده در مرکز امار و اسناد "هه‌نگاو"، طی ماه گذشته میلادی حکم اعدام دست‌کم ۱۶۳ زندانی توسط رژیم اعدامی ایران به اجرا درآمده که در مقایسه با بازه زمانی مشابه سال قبل ۹۶ مورد معادل ۱۴۳ درصد افزایش یافته است.

طبق این گزارش در این ماه حکم اعدام دست‌کم ۲۶ زندانی کورد معادل ۱۶ درصد کل موارد در زندان‌های رژیم به اجرا

در حالی که میلیون‌ها خانوار زیر فشار شدید معیشتی قرار دارند، قیمت اقلام حیاتی مانند نان و برنج طی ماه‌های اخیر با افزایش‌های چشمگیر مواجه شده است. طبق گزارش‌های رسمی، قیمت نان صنعتی تنها در بازه‌ی اسفند 1403 تا خرداد 1404 بیش از 84 درصد افزایش یافته است.

بهای یک بسته نان باگت از 19 هزار تومان به 35 هزار تومان رسیده و نان سنگک آزادپز در تهران 25 هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. این افزایش قیمت‌ها در حالی است که هنوز قیمت رسمی نان‌های سنتی به طور

همزمان با هفته معدن، زنگ خطر تعطیلی معادن استان کرمانشان به صدا درآمده که می‌تواند به خاموشی تدریجی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی این استان منجر شود.

محمدرضا کارگر، نایب‌رئیس خانه معدن کرمانشان، در گفت‌وگو با خبرگزاری حکومتی "ایسنا" با اشاره به رشد افسارگسیخته حقوق دولتی معادن گفت: در دو سال گذشته، حقوق دولتی معادن تا 600 درصد افزایش یافته است.

نامبرده ضمن اشاره به اینکه ۹۳ درصد معادن کرمانشان "سنگ لاشه" بوده و درآمد زیادی ندارند، افزود که ۲۵ درصد سود

همزمان با هفته معدن، زنگ خطر تعطیلی معادن استان کرمانشان به صدا درآمده که می‌تواند به خاموشی تدریجی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی این استان منجر شود. محمدرضا کارگر، نایب‌رئیس خانه معدن کرمانشان، در گفت‌وگو با خبرگزاری حکومتی "ایسنا" با اشاره به رشد افسارگسیخته حقوق دولتی معادن گفت: در دو سال گذشته، حقوق دولتی معادن تا 600 درصد افزایش یافته است. نامبرده ضمن اشاره به اینکه ۹۳ درصد معادن کرمانشان "سنگ لاشه" بوده و درآمد زیادی ندارند، افزود که ۲۵ درصد سود

در ادامه روند هدفمند سرکوب فعالان فرهنگی در کوردستان، "سمکو یوسفی"، مدرس زبان کوردی و از چهره‌های شناخته‌شده فرهنگی در بوکان، توسط نیروهای امنیتی رژیم اسلامی ایران بازداشت شد.

بامداد دوشنبه ۵ خرداد، سمکو یوسفی، اهل روستای "سلامت" از توابع شهرستان بوکان و مدرس زبان کوردی توسط

شناسنامه، 13 کودک زیر 18 سال، ۶ زن (از جمله یک زن باردار) و ۴ سوخت‌بر دیده می‌شوند.

بخش زیادی از این بازداشت‌ها با برچسب "اتباع بیگانه" انجام شده و افراد به اردوگاه‌هایی با وضعیت نامشخص منتقل شده‌اند؛ جایی که امکان اطلاع‌رسانی درباره وضعیت، حقوق یا حتی زنده‌بودن بازداشت‌شدگان بسیار محدود است. موج فزاینده‌ی بازداشت‌ها در بلوچستان نشان می‌دهد که سیاست‌های رژیم نه‌تنها گروه‌های خاص یا فعالان مدنی، بلکه

درآمده است. همچنین در ماه می گذشته، ۴۸ زندانی فارس، ۲۱ زندانی لر، ۲۰ زندانی بلوچ، ۱۸ زندانی ترک، ۷ تبعه افغانستان، ۶ زندانی عرب، ۲ زندانی ترکمن، ۲ زندانی گیلک و ۲ زندانی سیستانی اعدام شده‌اند.

همچنین در ماه گذشته میلادی بیشترین اعدامیان با ۸۰ مورد مربوط به قتل عمد بوده و جرایم مرتبط با مواد مخدر با ۷۶ مورد، تجاوز به عنف با ۶ مورد، سرقت

کامل اعلام نشده است. از سوی دیگر، قیمت برنج ایرانی نیز با افزایش 36 درصدی در دو ماه گذشته، به مرز 230 هزار تومان برای هر کیلو رسیده است. کشاورزان برنج را با قیمتی حدود 80 هزار تومان به فروش می‌رسانند، اما این محصول در بازار به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان فروخته می‌شود. این گرانی‌ها بیش از آنکه به سود تولیدکننده باشند، جیب دلانان و شرکت‌های شبه‌دولتی را پر کرده و امنیت غذایی خانوارها را به خطر انداخته است. در حالی که تورم مزمن و رکود اقتصادی،

معادن به حقوق دولتی اختصاص می‌یابد. به گفته او، دولت تنها یک درصد از حقوق قانونی دریافتی را به استان بازگردانده، در حالی که طبق قانون، این رقم باید 15 درصد باشد و صرف توسعه زیرساخت‌های معدنی شود. این تخلف آشکار نه مقطعی، بلکه در طول سال‌ها تکرار شده و به انباشت نارضایتی و عقب‌ماندگی در توسعه زیرساختی منجر شده و بازتابی از نوعی تبعیض ساختاری علیه کرمانشان به شمار می‌رود.

علاوه بر این؛ ماشین‌آلات فرسوده با بیش از 25 سال عمر، نبود تسهیلات بانکی، عدم پذیرش پروانه‌های بهره‌برداری معدنی و غیره، از جمله دلایل اصلی فقر و فقرزدایی در استان کرمانشان است. به گفته کارگر، وضعیت معادن در استان کرمانشان به گونه‌ای است که هیچ سرمایه‌گذاری در این بخش به صرفه نیست.

نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. نیروهای امنیتی رژیم بدون ارائه حکم قضایی به منزل این فعال فرهنگی کورد در محله "میراوا" بوکان یورش برده و با توسل به خشونت شدید وی را بازداشت کرده‌اند گفتنی است که تاکنون از دلایل بازداشت و اتهامات مطروحه علیه سمکو یوسفی در دسترس نیست.

## افزایش نگران‌کننده بازداشت‌های فراقانونی در بلوچستان

کل جامعه بلوچ را هدف قرار داده‌اند؛ بازداشت‌های بدون حکم، برخوردهای خشن با مردم عادی و عدم شفافیت در روند قضایی، نشان از گسترش سرکوب به ابعادی بی‌سابقه دارد.

رفتار نهادهای امنیتی در این بازداشت‌ها، بر اساس تعاریف بین‌المللی، مصداق "ناپدیدسازی قهری" است؛ پدیده‌ای که سازمان‌های بین‌المللی آن را از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر می‌دانند.

## اعدام ۱۶۳ زندانی طی ماه می سال جاری در زندان‌های ایران

مسلحانه با ۲ مورد و فعالین سیاسی با یک مورد در رتبه‌ای بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که از مجموع 163 زندانی که در ماه می اعدام شده‌اند، تنها ۶ مورد در منابع رسمی رژیم ایران و سایت‌های وابسته به قوه قضاییه اعلان شده و حکم اعدام ۴ زندانی مخفیانه و بدون اطلاع خانواده و حق برخورداری از ملاقات آخر با خانواده اجرا شده است.

قدرت خرید مردم را به پایین‌ترین سطح در دهه‌های اخیر رسانده، رژیم نه‌تنها سیاست حمایتی مشخصی ارائه نداده بلکه با حذف یارانه آرد، افزایش نرخ نهاده‌های کشاورزی و نبود نظارت موثر بر بازار، موج جدیدی از فشارهای معیشتی را بر مردم وارد کرده است. این افزایش قیمت‌ها در حالی رخ می‌دهد که هنوز برنج جدید وارد بازار نشده و قیمت نان‌های سنتی نیز در حال بررسی است و با ورود محصولات جدید به بازار و تداوم سیاست‌های کنونی، موج تازه‌ای از گرانی در راه است.

به‌عنوان وثیقه و بی‌اعتنایی به نیازهای خاص استان کرمانشان، حلقه‌های دیگری از زنجیره فشار بر بخش معدن هستند. کارگر تصریح کرد: در حالیکه برخی استان‌ها همچون خوزستان از راه‌حل‌هایی مانند واردات ماشین‌آلات با پلاک موقت بهره برده‌اند، این امکان برای کرمانشان فراهم نشده و از سیاست‌های حمایتی بی‌بهره مانده است. در حال حاضر ۲۵۷ معدن دارای پروانه بهره‌برداری در کرمانشان وجود دارند که نزدیک به ۸۰ درصد آنان فعال بوده و تعداد ۹ هزار و ۳۰۰ کارگر در معادن و صنایع معدنی کرمانشان مشغول به کار هستند.

بازداشت مدرسین زبان کوردی نمایانگر استراتژی آشکار رژیم برای انکار حق زبانی و فرهنگی میلیون‌ها کورد در ایران است و جمهوری اسلامی به جای تمکین به اصول حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی خود در زمینه حقوق اقلیت‌ها، با حربه‌های امنیتی اقدام به سرکوب و بازداشت گسترده فعالان فرهنگی در کوردستان می‌کند.

# کولبری

## گذر از مرز فقر و مرگ

### کاوه سندووسی

«کولبری» فعالیتی جانفرسا و خطرناک است که طی آن افراد (که به آن‌ها کولبر گفته می‌شود) بارهایی را از مسیرهای مرزی در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور کوردستان (به‌ویژه مناطق مرزی استان‌های سنندج، کرمانشاه، اورمیه و ایلام) به دوش می‌کشند و از مرزهای مصنوعی عبور می‌دهند. واژه‌ی «کولبر» از ترکیب دو واژه‌ی (کول = به‌معنای پشت) و (بر = به‌معنای برنده یا حمل‌کننده) ساخته شده است.

کولبری اغلب نوعی اجبار و بیچاره گی است که در پی بیکاری، فقر، نبود فرصت‌های شغلی برابر و سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد شکل گرفته و برای بسیاری از مردمان مناطق مرزی، به تنها راه تأمین معاش تبدیل شده است.

کولبران معمولاً کالاهایی مانند لوازم خانگی، پوشاک، سیگار یا مواد خوراکی را حمل می‌کنند و اغلب با خطراتی چون سقوط از ارتفاع، انفجار مین، تیراندازی نیروهای مرزی و شرایط جوی سخت مواجه‌اند. در واقع، کولبری نه شغل رسمی است، نه از بیمه یا حمایت قانونی برخوردار است و نه شأن انسانی در آن رعایت می‌شود، بلکه بازتاب آشکار از نابرابری ساختاری و بی عدالتی اجتماعی در کوردستان است.

همان گونه اشاره شد کولبری نه شغل است، نه افتخاری در پی آنست، کولبری یک اجبار تحمیل‌شده بر انسان‌هایی‌ست که در سرزمینی لبریز از ثروت‌های طبیعی و استعداد‌های ذاتی که در فقر نگه‌داشته‌شده زندگی می‌کنند. این پدیده یک فاجعه انسانی‌ست که ریشه در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی و نظامی دارد که رژیم‌های حاکم نه تنها توسعه را به گروگان گرفته‌اند بلکه نفس زندگی را برای میلیون‌ها نفر در این مناطق به معامله‌ای روزانه با مرگ تبدیل کرده است. کولبر کسی نیست که شغل خود را آزادانه و از روی اختیار انتخاب کرده باشد بلکه کولبر کسی است که همه‌ی راه‌های زندگی شرافتمندانه به روی او بسته شده، نه شهرک‌های صنعتی، نه زمین و حمایت‌های ملزوم از کشاورزی، نه زیرساخت اقتصادی و نه حتی امنیت اولیه‌ای برای کار و زیست انسانی او را ناچار به این وضعیت و بزنگاه می‌برد. در چنین شرایطی، کولبری نه انتخاب، بلکه نتیجه‌ی قهری یک سیاست سرکوب و حذف مستمر و برنامه‌ریزی شده است.

در این میان، نباید فریب تقدیس‌سازی‌هایی را خورد که از سر دلسوزی یا ناآگاهی، کولبر را به «قهرمانی ملی» تبدیل می‌کنند. این نوع نگاه، هرچند ظاهر انسانی دارد، اما عملاً به عادی‌سازی یک فاجعه دامن می‌زند. عادی‌سازی کولبری یعنی پذیرش آن به عنوان بخشی طبیعی از زندگی در یک پهنه جغرافیایی، یعنی فراموشی این حقیقت که کولبر، محصول مستقیم تبعیض ساختاری و اشغال سیاسی است.

فاجعه یا بهتر است بگوییم فاجعه همراه با منت تنها در کوه‌ها و مرزهای پرخطر خلاصه نمی‌شود. یکی از ترفندهای مزورانه‌ی رژیم حاکم، صدور مجوزهای موقتی و نمایشی برای «تنظیم بازارچه‌های کولبری» است.

فرمانداری‌های حکومتی در شهرهای مرزی با وعده و بهانه «ساماندهی» کولبران، مجوزهایی صادر می‌کنند که نه‌تنها مشکل اصلی فقر و بیکاری را حل نمی‌کند، بلکه آن را نهادینه و قانونی جلوه می‌دهد. این مجوزها معمولاً به دست افراد خاص، وابسته به نهادهای امنیتی و حکومتی می‌رسد یا صادر می‌شود، نه کولبران که جان خود را هر روز در راهی خطرناک و بی‌ثمر می‌گذارند. آن مسئول یا نماینده [افراد مشخص شده از نظر نماینده و منشی او] در واقع منتفعین واقعی این مجوزات هستند نه مردمان محتاج‌باشنده در آن مناطق، آن مردم در بهترین حالت جزء کمی از سود کلان را سهمیم هستند و سود اصلی به جیب دلالان وابسته به حکومت و بازرگانان خواهد رفت.

واقعیت تلخ‌تر این است که در همان حالی که مردم کوردستان برای لقمه‌ای نان، کوه‌ها را با بارهای گاه‌صد کیلویی طی می‌کنند، در نقاطی از همین کشور، گذرگاه‌های مرزی اختصاصی برای آقازاده‌ها و وابستگان قدرت وجود دارند. فرودگاه‌ها و اسکله‌هایی که در آن‌ها میلیارد‌ها دلار انواع کالای لوکس بی‌هیچ نظارت و قانونی وارد و خارج می‌شود. جایی که نه سرما و گرمایی هست نه خطر مین و نه گلوله‌ای که سینه‌ای را بشکافد و نه کودکی که

یتیم شود، بلکه تنها پول و رانت و فساد است که آزادانه رفت و آمد می‌کند.

کولبر، با باری که بر دوش دارد، نه دزد است و نه مجرم. او تنها قربانی بازی‌هایی‌ست که در سطوح بالای قدرت، میان نهادهای حکومتی و مافیای اقتصادی طراحی می‌شود. در حالی‌که هر روز چند کورد در قالب کولبری در کوهستان جان می‌دهد یا قطع نخاع می‌شود، شبکه‌ای عظیم از اختلاس و قاچاق در پناه اسکله‌های حکومتی و انبارهای خصوصی، بدون هیچ واهمه‌ای زالووار در حال مکیدن سرمایه کشور است. این تناقض، قلب هر انسان آزاده و با وجدانی را می‌آزارد. چگونه ممکن است که کولبری را به جرم حمل چند کارتن پوشاک یا قند و چای دسگیر و حتی بکشند، اما میلیارد‌ها دلار واردات و صادرات غیرقانونی در سواحل جنوبی، از چشم قانون پنهان بماند؟ پاسخ روشن است، این سیستم نه با فقر مردم کوردستان، که با «پروژه فقرساختن» برای مردم زنده است. اگر کولبری وجود دارد به این دلیل نیست که چاره‌ای نیست، بلکه به این دلیل است که ساختار موجود با این همه منابع، اراده‌ای برای چاره‌سازی ندارد. ایجاد اسکله‌های اختصاصی برای وابستگان حکومت و مجوز دادن به شبکه‌های انحصاری هیچ سنخیتی با عدالت اجتماعی این مدعیان حکومت اسلامی ندارد. این سیاست‌ها نه تنها مسأله کولبری را حل نمی‌کنند، بلکه با تبدیل آن به یک سیستم کنترل‌شده و قابل بهره‌کشی، آن را به ابزار جدیدی و کارآمد برای تحقیر، تسلط، و بهره‌کشی سیاسی-اقتصادی از انسان کورد

و جامعه‌ی کوردستان تبدیل می‌کنند. در این میان، به اصطلاح مجلس شورای اسلامی و ملیجک‌هایی به نام [نمایندگان مناطق کردنشین] نیز خود بخشی از این سیاست استعماری و کشتار هستند. وعده‌های نمایندگان که سال‌ها با شعار عدالت و رفع تبعیض وارد مجلس شده‌اند چیزی جز وعده و فریب نبوده و آنها نه تنها نتوانستند هیچ‌گونه راه‌حل واقعی برای کولبران ارائه دهند، بلکه اغلب با سکوت اختیاری و سیاست همراهی با ساختارهای امنیتی و اقتصادی رژیم اسلامی، نقش دلال یا واسطه و توجیه‌گر را بازی کرده‌اند. مترسک‌های که عملاً مهره‌های نظام سیاسی آخوندی‌اند و نه زبان مردم، آنان در بهترین حالت زبان نظامند در میان مردم. آنها گاه‌با لباس کوردی و ژست دلسوزانه وعده اشتغال و منطقه آزاد و کارت کولبری می‌دهند، اما در عمل به بقا و بازتولید همان ساختار پوسیده و غیر انسانی کمک می‌کنند.

براساس گزارشات نهادهای حقوق بشری در سال‌های اخیر صدها کولبر کشته و زخمی شده‌اند. جمع کثیری با شلیک مستقیم، برخی در اثر یخ‌زدگی و سقوط از کوه، یا انفجار مین جان خود را از دست می‌دهند. این آمار هرگز به‌درستی ثبت نمی‌شود، چون اساساً در نگاه حاکمیت، کولبر "یک قربانی" نیست، بلکه "عنصر مزاحم-مخل اقتصادی یا جاسوس و حتی تروریست" است.

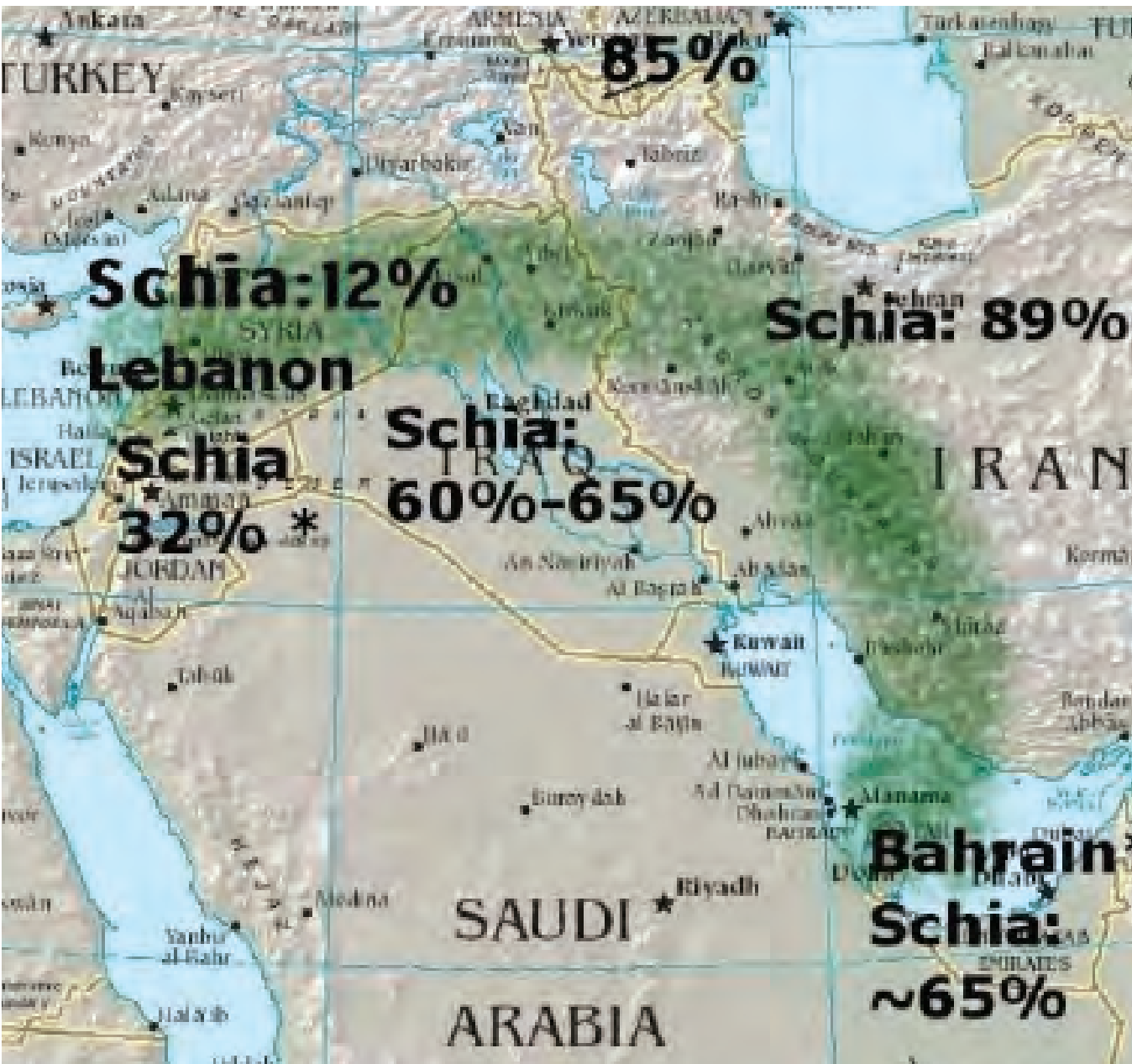
این کشتار سیستماتیک، اگر در جایی دیگری از این پهنه گیتی رخ می‌داد، پرونده‌ای جنایی در سطح دادگاه‌های

بین‌المللی بود، اما در جمهوری اسلامی، واقعیتی عادی است که نه تنها مجازات ندارد، بلکه گاهی قاتلان و شلیک‌کنندگان تشویق و ترفیح نیز می‌شود. در چنین بستری، هرگونه تلاش برای تقدیس یا تطهیر این وضعیت، خیانت به حقیقت است. نباید کولبری را با روایت‌های قهرمان‌سازانه زیبا جلوه داد. این کار، فقط کمک به فراموشی مسئله نکبتار کولبری است. کولبری باید یک فریاد باشد، نه فیلم و نفرت‌انگیز باقی بماند تا حذف شود، نه اینکه با ترحم و قهرمان‌سازی، بزک شود و پذیرش و هضم آن سهل و آسان شود. جامعه کوردستان اگر تحلیل درستی از ماهیت و ساختار این فاجعه نداشته باشد، چه‌بسا ناخواسته به بقا و افزایش معضل کولبری کمک کرده است. تنها راه رهایی از این معضل انسانی آگاهی جمعی، سازماندهی اجتماعی در ضدیت با استعمار و بیکاری در کوردستان و پافشاری بر حق حیات بدون تحقیر و فقر است.

کولبری، تا زمانی که وجود دارد، باید فریادی باشد بر سر مسیبان و نظام حاکم و نباید هرگز با آن کنار بیاییم. نه با مجوز، نه با وعده، و نه با فیلم یا مستندی انجمنی. پایان کولبری، تنها با پایان اشغال کوردستان و بازگشت کرامت و قدرت تصمیم‌گیری به مردم ممکن است. در نهایت کولبری یک جنایت است که عادی‌سازی آن خیانت به انسان کورد است و سکوت در برابر آن عین شراکت در این جنایت است.



# شکست هلال شیعی؛ پایان رویای سلطه‌جویی سیاسی، ایدئولوژیک و سرزمینی جمهوری اسلامی ایران؟



پرویز جباری

دیپلماسی مذهبی: تأکید بر وحدت اسلامی و حمایت از شیعیان در کشورهای مختلف، به‌عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه ایران در جهان اسلام.

قدرت نرم: استفاده از رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و آموزشی برای ترویج ایدئولوژی جمهوری اسلامی و جذب افکار عمومی در کشورهای هدف.

از زاویه‌ای دیگر، تضاد گفتمان‌ها در درون جمهوری اسلامی نیز بر تضعیف انسجام راهبردی پروژه هلال شیعی تأثیر گذاشته است. در دهه اخیر، شکاف میان جناح‌هایی که خواهان نرمال‌سازی روابط خارجی و تمرکز بر توسعه داخلی‌اند (مانند دولت روحانی و ظریف) با جناح‌هایی که همچنان بر محور مقاومت تأکید دارند (همچون سپاه و جریان‌های اصول‌گرا)، عمیق‌تر شده است. حتی در سطوح فقهی، نیز برخی مراجع، سیاست دخالت در امور کشورهای دیگر را زیر سؤال برده‌اند. این اختلافات باعث شده که دستگاه دیپلماسی ایران دچار تناقض در سیاست‌گذاری شود و نتواند گفتمان منسجمی را در سطح منطقه‌ای ارائه دهد.

با در نظر گرفتن تحولات درونی ایران، روندهای جهانی، و افزایش نارضایتی اجتماعی در کشورهای نیابتیو نیز شکست سیاسی و میدانی جمهوری اسلامی در منطقه در پی 7 اکتبر، می‌توان آینده هلال شیعی را نه صرفاً در قالب تداوم یا فروپاشی، بلکه در قالب «بازتعریف بنیادین» سیاست خارجی جمهوری اسلامی دید. این بازتعریف ممکن است به‌سوی استفاده از ابزارهای قدرت نرم، کاهش مداخلات مستقیم نظامی، و تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی سوق یابد. در چنین سناریویی، جمهوری اسلامی اگر بخواهد جایگاهی در نظم نوین منطقه‌ای داشته باشد، ناگزیر از اصلاح گفتمانی و راهبردی خواهد بود پروژه هلال شیعی با واکنش‌های منفی از سوی کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی مواجه شده است. عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس این پروژه را تهدیدی برای امنیت خود می‌دانند. ایالات متحده و اسرائیل نیز با نگرانی به گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌نگرند و اقدامات متقابلی را در پیش گرفته‌اند. این واکنش‌ها منجر به افزایش تنش‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه شده است.

در مجموع، پروژه هلال شیعی با ورود به مرحله‌ای جدید از چالش‌ها و بحران‌های چندلایه، در برابر آزمونی جدی قرار دارد. این آزمون نه‌تنها برآمده از فشارهای بیرونی، بلکه ناشی از تناقض‌های ایدئولوژیک، ساختاری و اجتماعی درون خود پروژه است. آنچه در حال رخ دادن است، نه صرفاً شکست یک راهبرد منطقه‌ای، بلکه پایان یک فاز تاریخی از سیاست توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی و احتمالاً آغاز دوران بازاندیشی در نقش منطقه‌ای ایران است. اگر این روند ادامه یابد، «پایان هلال شیعی» ممکن است به معنای پایان سیاست سلطه‌جویانه منطقه‌ای نیز باشد — پایانی که نه از طریق جنگ، بلکه از مسیر فرسایش تدریجی مشروعیت، ناکارآمدی و مقاومت‌های بومی رقم می‌خورد.

و روایت‌های تاریخی پیشااسلامی دارد که در سال‌های اخیر در گفتمان نخبگان حکومتی — به‌ویژه در بدنه فرهنگی و نهادهای ایدئولوژیک — بازتاب یافته است. در حالی که اسلام سیاسی، مبتنی بر وحدت امت اسلامی، نفی مرزهای ملی، و اولویت دادن به مشروعیت دینی فراملی است.

این دو گرایش در ظاهر متناقض، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌شکل موازی به‌کار گرفته شده‌اند؛ اما در عمل به بروز سردرگمی مفهومی و ناکارآمدی در روایت‌های ایدئولوژیک منجر شده‌اند. به‌عنوان نمونه، هنگامی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند با تأکید بر «هویت شیعی» نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد، از سوی بازیگران عرب متهم به سلطه‌طلبی فارس‌محور می‌شود. همچنین در درون مرزهای ملی ایران، بازتولید گفتمان ایران‌شهری و حاکم‌سازی آن در نظام آموزشی و رسانه‌ای، با واکنش‌های منفی از سوی اقوام و مذاهب غیرفارس روبرو شده است. این وضعیت، نه‌تنها انسجام ایدئولوژیک پروژه هلال شیعی را تضعیف کرده، بلکه سبب شده تا اسلام سیاسی به‌عنوان گفتمان رسمی، مشروعیت خود را در میان گروه‌های دینی و حتی شیعی در منطقه از دست بدهد.

برای تحقق این پروژه، جمهوری اسلامی ایران از ابزارهای مختلفی بهره برده است. مانند:

بازیگران نیابتی: حمایت از گروه‌هایی مانند حزب‌الله در لبنان، حشدالشعبی در عراق و انصارالله در یمن، به‌منظور گسترش نفوذ و مقابله با رقبای منطقه‌ای. ایجاد نوعی حلقه آتش در اطراف و یا نزدیک به مرزهای اسرائیل.

یمن نیز، حمایت از انصارالله با گسترش جنگ داخلی، بر انسجام اجتماعی ضربه زده است. اندیشه ایران‌شهری، که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایران باستان دارد، بر مفاهیمی چون مرکزیت ایران، نظم کیهانی و حاکمیت مشروع تأکید دارد. جمهوری اسلامی ایران با بازتفسیر این مفاهیم در قالب ایدئولوژی اسلامی، سعی در احیای نقش تاریخی ایران به‌عنوان قدرتی مرکزی در منطقه داشته است. این بازتفسیر، به‌ویژه در سیاست خارجی، منجر به تلاش برای ایجاد هلال شیعی به‌عنوان بازتابی از سیاست توسعه‌طلبی تاریخی ایران شده است.

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این پدیده را می‌توان به‌عنوان واکنش معکوس به پروژه‌های یکسان‌سازی ایدئولوژیک در جوامع متکثر تحلیل کرد. جمهوری اسلامی با طرح ایدئولوژی دینی خاص و ترویج گفتمان مقاومت، سعی در ایجاد همگرایی سیاسی میان گروه‌های شیعی داشت، اما نادیده گرفتن تنوعات قومی، زبانی و تاریخی، منجر به تقویت گرایش‌های بومی و حتی تجزیه‌طلبانه در برخی مناطق شده است. به‌ویژه در عراق، پس از شکست داعش و افزایش فشار اجتماعی برای بازسازی دولت ملی، گفتمان‌هایی چون هویت عراقی، ضد ایرانی و حاکمیت ملی پررنگ‌تر شده‌اند.

نیز، یکی از چالش‌های مفهومی بنیادین در پروژه هلال شیعی، تنش میان دو پارادایم عمده در سیاست‌ورزی جمهوری اسلامی است: «ملی‌گرایی فرهنگی» مبتنی بر بازسازی مفاهیم ایران‌شهری، و «اسلام سیاسی» به‌مثابه گفتمان غالب حاکمیت. ملی‌گرایی فرهنگی در این معنا، گرایش به احیای تمدن ایرانی، زبان فارسی،

بسیج شیعیان انجام داد، بازآفرینی نوعی «حوزه نفوذ تاریخی» بود، اما در پوشش گفتمان اسلامی. تفاوت در ابزار بود، نه در هدف. همان‌گونه که امپراتوری‌های ایران در دوران ساسانی، صفوی و قاجار در پی اعمال نفوذ بر مرزهای غربی و جنوبی خود بودند، جمهوری اسلامی نیز با ابزارهای مدرن، در پی تداوم همان سنت تاریخی بود. ( زرین‌کوب، 1373)

پروژه «هلال شیعی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، در پی گسترش نفوذ سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک در غرب آسیا شکل گرفت. بهره‌گیری از بازیگران نیابتی، بازتولید ایدئولوژی در قالب ملی‌گرایی مذهبی، و واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، محورهای اصلی این نوشتار می باشند. در پایان، به‌واسطه بررسی تحولات ژئوپلیتیکی، اجتماعی و اقتصادی در منطقه، نتیجه‌گیری می‌شود که پروژه هلال شیعی با بحران‌هایی بنیادین روبروست که می‌تواند به افول این استراتژی منجر شود.

یکی از جنبه‌های مغفول در تحلیل پروژه هلال شیعی، تأثیرات اجتماعی و هویتی آن بر بافت‌های قومی، مذهبی و ملی کشورهای درگیر است. اگرچه این پروژه با هدف تقویت انسجام شیعیان و افزایش قدرت چانه‌زنی سیاسی آنان طراحی شد، اما در عمل به بروز شکاف‌های عمیق‌تر اجتماعی و واگرایی‌های هویتی در کشورهای هدف انجامید. در عراق، حمایت جمهوری اسلامی از حشدالشعبی باعث افزایش بی‌اعتمادی اهل سنت و کردها شد. در لبنان، حزب‌الله با وجود محبوبیت اولیه، به‌مرور به عامل تنش و قطبی‌سازی سیاسی تبدیل شد. در

پروژه‌ی «هلال شیعی»، که از سوی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان راهبردی برای گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه‌ی غرب آسیا پی‌ریزی شد، تنها یک ابتکار ایدئولوژیک پس از انقلاب 57 نیست، بلکه می‌توان آن را در ادامه‌ی سنتی دیرینه از سیاست توسعه‌طلبی سرزمینی ایران تحلیل کرد. در این خوانش، «هلال شیعی» صرفاً ابزار قدرت نرم یا امنیتی نیست، بلکه بازتابی از میل تاریخی ایران به ساختن حوزه نفوذی از خراسان تا مدیترانه است؛ میلی که ریشه در گفتمان ایران‌شهری و منطق تمدنی بازتولید مرکز پیرامون دارد.

پیوند مخفی میان پروژه‌ی هلال شیعی و سنت ایران‌محور توسعه‌ی سرزمینی، نشان می‌دهد چگونه جمهوری اسلامی با بهره‌گیری از ابزارهای ایدئولوژیک شیعی، در پی احیای نوعی نظم تاریخی – جغرافیایی است که به واسطه‌ی موقعیت ایران به‌عنوان «قلب امپراتوری» تعریف می‌شود. اما شکست‌های اخیر این پروژه، نه‌تنها به دلایل تاکتیکی یا اقتصادی، بلکه به‌سبب گسست‌های بنیادین در منطق گفتمانی، مقاومت‌های هویتی در منطقه، و بحران درونی نظم ایران‌شهری رخ داده است. گفتمان ایران‌شهری، به‌مثابه بازسازی نگاه ساسانی – باستانی به نظم سیاسی، بر سه مؤلفه‌ی کلیدی تکیه دارد: مرکزیت جغرافیایی ایران، سلطه‌ی فرهنگی – زبانی فارس، و حق تاریخی ایران برای هدایت «جهان پیرامون». این گفتمان که در دهه‌های اخیر از سوی برخی نهادهای فرهنگی، ایدئولوژیک و حتی نظامی جمهوری اسلامی بازتولید شده، در سیاست منطقه‌ای نیز بازتاب یافته است. طباطبایی، سید جواد (1395)

«هلال» به‌مثابه تصویر معکوس «ایران بزرگ»

واژه‌ی «هلال شیعی» اگرچه نخستین‌بار توسط عبدالله دوم، پادشاه اردن، برای توصیف گسترش نفوذ ایران در منطقه به‌کار رفت، اما معنای ضمنی آن ریشه در ژئوپلیتیک تاریخی دارد. آنچه امروز به‌عنوان «هلال» خوانده می‌شود، در ادبیات باستانی ایران، منطقه‌ی نفوذ تمدنی تلقی می‌شد؛ مناطقی که به باور گفتمان ایران‌شهری، به دلیل نزدیکی جغرافیایی، فرهنگی یا سیاسی باید تابع «مرکز» یعنی ایران باشند.

در واقع، آنچه جمهوری اسلامی با کمک گروه‌های نیابتی، ایدئولوژی مقاومت و



## هنرمندان متعهد، حافظان زبان مادری و هویت ملی



حسن حاتمی

رضا خان میرپنج با همکاری سید ضیا طباطبایی کودتای سال ۱۲۹۹ با پشتیبانی دولت بریتانیا را انجام دادند و در سال ۱۳۰۰ دو (۲) سال وزیر جنگ و در ۱۳۰۲ دو سال نخست وزیر و در سال ۱۳۰۴ رضا شاه پهلوی شد. وی در ابتدا به نوعی الگوبرداری از ترکیه، که تلاش برای جمهوری بود، خیز برداشت که با مخالفت روحانیت شیعه مواجه گردید. پس از شاه شدن به ناسیونالیزمی رویکرد نشان داد، به نام «دولت – ملت» و برای تحققش تمام عیار از همه‌ی امکانات موجود در ایران هم استفاده کرد که نتیجه‌اش پان فارسیزم پر رنگی را در ۱۶ سال سلطه‌ی پادشاهی استبدادی خود را چراغ راه زندگی حاکمیتش کرد، که با جوامع متکثر مردمان موجود در ایران به‌کلی متفاوت و دور از واقعیت بود.

در این مدت رضا شاه «پارادایم شیفت» یک ملت، یک زبان و یک پرچم را فرا راه سیستم حکمرانی خود قرار داد که، هم جوهر قانون اساسی مشروطه را دور زد و هم ملت‌های موجود در ایران که غیراز فارس‌ها، تورک‌های آذری، کوردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، تورکمن‌ها و سایرین هستند را با زور اسلحه، لشکرکشی نظامی و سرکوبیهای خونین، که به سلطه‌ی استبدادی مرکزگرا و ادغام در «ملت فارس» نمود که به زیرپا نهادن حقوق اساسی این مردمان، منجر گردید.

این مردمان نیز برای احقاق حقوق پایمال شده‌اشان به توانائیهایی که داشتند مبارزه‌ی چند جانبه‌ی خود را آغاز کردند. کوردها که مد نظر این نوشتار هستند، قیام‌های چندی را انجام دادند، که میتوان به جنبش‌های شاخص، سمیقو، قدم خیر لورستانی، سردار رشید روانسری، شیخ محمود کانی سانان، شیخ محمود دزلی، ملا خلیل و عומר (قه‌مهر) پادشاه، اشاره کرد، که بیشتر نوشتارهای حاکمیتی درباره‌ی آن جنبش‌ها غیره واقعی هستند، ولی هنرمندان از جمله شاعران، خوش صدایان، خوانندگان، موسیقیدانان، با «بیت و هه‌یران، گهلؤ» یا آوازهای فلکوری، از زبان و لباس کوردی و هویت ملی خویش، با وجود

اختناق شدید نظامی و امنیتی، دفاع جانانه‌ای کردند.

هنرمندان از وقایع و سرکوبگرها از جمله با زور سرنیزه «لباس متحدالشکل «در بر و «کلاه پهلوی» (شه‌پکه در کوردی) بر سر را برنتابیدند. اکثریت مردم در کوردستان از سویی «سرباز وظیفه» را «اجباری» خواندند و از سویی دیگر رشادت، فداکاری و جانباختن مبارزان راه آزادی و مخالفان استبداد شاهی، را به تاریخ شفاهی و واقعی خود، زبان به زبان و سینه به سینه به جامعه‌ی خود منتقل کردند.

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و وجود جنگ خونین و ویرانگر جهانی دوم، تقسیم شدن ایران میان متفقین، به تاریخ سپردن شدن سلطه‌ی پهلوی اول و آغاز حاکمیت پهلوی دوم، به مدت ۱۲ سال آزادیهای نسبی وجود داشت. ولی کودتای ۲۸ مرداد، انگلیس- آمریکا و برگرداندن شاه فراری، ۲۵ سال حاکمیت استبدادی مرکزگرای شدیدتر دیگر که جمعا ۵۳ سال حاکمیت‌های پدر و پسر پهلوی‌ها بود، تداوم یافت، که خروجی آن به جمهوری اسلامی، مستبدتر حتا به قول خانم هانا آرنه به «توتالیتاریزم» از نوع ولایت مطلقه‌ی فقهی، آیت‌اللاهای سیاسی و مذهبی خمینی و خامنه‌ای بر ساخته، منجر شده است.

اکنون که این سطور نوشته میشود، ۴۶ مین سال پر خون و سرکوبیهایی انسان کش، کودک کش، زن کش جمهوری اسلامی روزگار را با چالش‌ها و بحرانهایی زیادی سپری میکند. این حاکمیت اسلامی سیاسی شیعی ۱۲ امامی که، منطقه‌ی خاورمیانه را به جنگ‌های ویرانگر و خونین، هم در جنگ بی مورد و خسارت بار ۸ ساله‌ی ایران و عراق و جنگ‌های نیابتی‌های

موسیقی دانان و اهل ادب و هنر تابلوهای اثرگذار و ماندگاری را خلق کردند. یکی از آنان سرود ملی «ئه‌ی ره‌قیب» است که اینگونه شروع میشود: «ئه‌ی ره‌قیب ،ههرماوه قه‌ومی کورد

زمان، نایش‌کینی دانه‌یی تویی زمان» ای رقیب، مردم کورد زبان زنده هستند، استبداد زمانه آنانرا نمیشکند . «کس نه‌لئ کورد مردوه، کورد

زیندوه» کسی نگوید کورد نیست، کورد زنده است.

«زیندوه قهت نانه‌وئ، ئالا‌که‌مان» ...

پرچم ما زنده و همیشه بر افراشته است و ...

شعر این سرود را یک وکیل کورد در عراق به نام یونس رئوف ملقب به «دلدار» در سال ۱۹۳۸ نوشت در ۱۹۴۶ و در جمهوری کوردستان به عنوان سرود ملی لقب گرفته در مراسم‌های رسمی خوانده میشد و میشود. همچنین سرود ملی در اقلیم کوردستان هم هست.

این سرود پس از ۸۰ سال یکی از معروفترین اثر ماندگار و الهام بخش مردم کورد در هر چهار بخش کوردستان است، که با زور پیمان شوم سایکس – پیکو، در گرماگرم جنگ جهانی اول در ۱۹۱۶، بدون همه پرس‌ی از کوردها و کوردستانیان تقسیم نادرست و پر از ظلم، ستم و رنج گردید.

همچنین، سرود و شعرهای فراوان دیگری در مدت این جمهوری نو نهال کوردستان سروده و گفته شدند که، بعدا» به بخشی از «آوازه‌های سرزمین مادریم»، تبدیل شدند. ولی در بین آنان در ۵۰ سالگی تجلیل و یاد باد جمهوری کوردستان که در ۲ بهمن ۱۳۲۴ تأسیس گردیده بود، تابلوی دیگری با صدای استاد ناصرزازی خلق شد که یکی

بعد از آن و هم دست داشتن در حمله‌ی ۲۳ اکتبر ۲۰۲۳، حماس، جهاد اسلامی و بعدا»، حزب الله، حوثی‌ها به اسرائیل و کشتن و به گروگان گرفتن آنان، دوبار حمله مستقیم به اسرائیل و در آستانه‌ی سایه‌ی جنگ هسته‌ای برای نابودی اسرائیل پیش رفته است. این رژیم خونریز و ویرانگر اگر رفتار اختاپووسیش موفق شود هر آنچه مخالف این رژیم سیاه کردار و سرکوب رفتار است، را از بین میبرد، از جمله سرکوب چند جانبه‌ی جنبش و انقلاب «ژن ژیان نازادی»، زن زندگی آزادی مردمان ایران، و قصد «امپراطوری شیعه» در بخشی از جهان را هم مد نظر دارد. ولی توجهی به مردمان گرسنه، زیر خط فقر، بیکاران، معتادان، تورمی دو رقمی بالا، کم ارزشی روزانه‌ی «پول ملی» و «ابر بحرن»‌ها را نمیکند. بی توجهی نشان دادن به اعتراضات اقشار و صنوف مختلف از جدیدترین آنها کامیونداران که ۱۲ روز است در جریان است، نشان از ناکارآمدی و ورشکستگی حاکمیت «دزد سالار» است. و ... ولی در مدت این ۸۳ سال حاکمیت‌های استبدادی شاه و شیخ، با توجه به رویدادهای زمان، در کوردستان به تشکیل احزاب و سازمانهای مردمی برای مبارزه با استبدادیون و احقاق حقوق و هویت ملی که از سال ۱۳۱۸ با تشکیل حزب آزادیخواهان کوردستان شروع شد، پس از آن، تشکیل جمعیت تجدید حیات کورد (ژ.ک.). در ۱۳۲۱ تاریخ ساز شد. سه سال بعد در ۱۳۲۴ حزب دموکرات کوردستان در امتداد ژ. ک. تأسیس شد. حدود ۶ ماه بعد جمهوری کوردستان با ریاست جمهوری قاضی محمد، انسان فرزانه‌ی زمانه، بنیانگذاری شد، که ۱۱ ماه موجودیت بسیار پر باری داشت.

در زمان این جمهوری، شاعران،

از شاهکارهای تاریخ در امتداد «ئه‌ی ره‌قیب» است که مورد توجه ویژه در میان کوردها در هر کجای دنیا، قرار گرفت.

دو مصرع اول سرود چنین است:

«ثافرین قازی محهمه‌د ثافرین،»

ثافرین ئه‌ی پیشه‌وای کورد ثافرین»

آفرین قاضی محمد آفرین، آفرین ای

پیشوای کورد آفرین

«تا تومان هه‌بی نامرین، ثافرین

ئه‌ه‌فرین قازی محهمه‌د ثافرین» و ...

ما زنده به الهام توایم آفرین، آفرین

قاضی محمد آفرین و ...

هنرمندان و مبارزات فرزندان این سرزمین در مقابل استبدادیون، اشعار، آواز و سرودهای را خلق کرده‌اند، که حاکی از تاریخ سیاسی و اجتماعی مردمی است که پس از ۳۰ سال گذشته از جمهوری پر دستاورد و شکوهمند کوردستان در زمان استبداد پهلوی دوم و ۴۶ سال از وجود سیاه و جنایتکارانه‌ی جمهوری اسلامی در ایران، با آثار تابلوهای فراوان هنری زیادی در همه‌ی عرصه‌ها، بخصوص دو نوروز پس از جنبش و رنسانسی در اعماق اجتماعی به تاریخ حقیقی این مردمان مبارز که، حقوق اساسیشان زیر پا نهاده شده است، برای «تمام فصول» زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چراغ درخشان راه زندگی هستند. آنهم در حالیکه آیت الله خمینی «موسیقی را حرام» کرد و حاکمیت استبداد مذهبی- توتالیتریستی با آن پای فشرد، ولی هنرمندان متعهد از زبان مادری و هویت ملی خود جانانه دفاع کردند و تاریخ واقعی را ساخته و میسازند.

منبع : گوگل